



۲۰۱۴/۰۱/۲۰



داکتر حمید سیماب

"آتشی را که فروزان شده، خاموش مکن"

تذکرناشر:

با نشر لیست ۵۰۰۰ قربانی جنایات حزب دموکراتیک خلق در ماه سپتمبر سال گذشته موج دادخواهی از طرف افغانان در سراسر جهان راه انداخته شد. این دادخواهی ها پرسش هایی را نیز برانگیخت. پورتال "افغان - جرمن آنلاين" که مبارزه با بی عدالتی و افشاء جنایتکاران جنگی در سه دهه گذشته را در فعالیت های رسانه بی خود در نظر گرفته و دنبال نموده است، ضمن انعکاس نظریات مختلف پیرامون این موج دادخواهی و عوامل آن به پرسش های برانگیخته شده نیز بی توجه نبوده است. ماه گذشته یکی از همکاران قلمی پورتال محترم داکتر حمید سیماب صحبتی با برنامه «چشم انداز» شبکه جهانی تلویزیون آریانا داشت که طی آن عوامل و دلایل این موج دادخواهی را بصورت دقیق و فشرده جمع بندی نمود. پورتال اخیراً متن صحبت محترم داکتر سیماب را بدست آورد و آنرا درینجا بخاطر مطرح بودن مسایل ذکر شده به نشر می سپارد.

باید ایضاح نمود که محتوی و مندرجات صحبت زیر مبین نکات نظر صحبت کننده میباشد. با اظهار سپاس فراوان از محترم داکتر سیماب اینک متن صحبت یاد شده:

امیری صاحب محترم اگر اجازه شما باشد می خواهم منحیث عضو محفل دادخواهان شهدای سالهای ۵۷-۵۸ در اتاوی کانادا برخی نکات توضیحی در ارتباط راه اندازی این یادبود خدمت شما و بینندگان گرامی برنامه تقدیم کنم چون در ارتباط یادبود شهدای سالهای ۵۷-۵۸ که قرار است در برابر پارلمان کانادا صورت بگیرد درین یکی دو هفته اخیر زیاد گفته شده و ما افغان ها از بس همیشه دروغ شنیده ایم و آله دست دیگران قرار گرفته ایم در این قسم موارد همیشه فکر می کنیم مبادا کاسه ای زیر نیم کاسه باشد و یک اقدامی که صورت می گیرد چه کسانی آنرا راه انداخته اند و هدف شان چیست.

اولتر از همه از لطف و مهربانی شما در قسمت انعکاس دادن تلاش هایی که برای راه اندازی یادبود شهدای سالهای ۵۷-۵۸ در برابر پارلمان کانادا بروز ۷ دسمبر از طریق برنامه تان و ازینکه به من موقع دادین تا از طریق این برنامه برخی نکات توضیحی درین مورد به بینندگان محترم برنامه ارائه کنم از شما صمیمانه سپاسگزار هستم و تشکرات خود را تقدیم می کنم.

شما در مورد چگونگی مطرح شدن این مسئله بدین داغی پس از ۳۵ سال در برنامه های مختلف تان به تفصیل صحبت کرده اید که چگونه پولیس هالند در طی تحقیق از یک کارمند عالیرتبه دستگاه

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

پولیس مخفی رژیم خلقی، ریاست آگسا در سالها ۵۷-۵۸، از طریق افشاگری یک خانم نود و چندساله به لیست ۵۰۰۰ نفر قربانی جلادان خلقی دست یافت.

محفل دادخواهان توسط یک تعداد از فرزندان همو شهدا که نام شان در لیست ذکر شده و در اتاوا زندگی می کنند یکجا با کسانی که دل شان با داغ ملت شان داغدار است و خود را در غم و شادی مردم خود شریک می دانند به منظور اینکه فراتر از فاتحه و دعا برای شهدا یک کاری کرده باشند و آواز خفه شده تظلم و عدالت خواهی را بلند کرده باشند ماه گذشته تشکیل شد. یک دلیلی که این مسئله را برای ما اعضای محفل برجسته تر و بارزتر می ساخت این بود که ما در پایتخت کانادا زندگی می کنیم و بلند کردن آواز دادخواهی درینجا بسیار مؤثرتر است نظر به بلند کردن آواز در جاهای دیگر، خصوصاً اگر ما بتوانیم در برابر پارلمان کانادا این آواز را بلند کنیم و توجه دولت کانادا را بخاطر کمک به دادخواهی مظلومی که در افغانستان کسی بازخواست آنرا نکرده است جلب کنیم، چون دولت افغانستان از ما نیست و او را از خود نمی دانیم، اگر از ما می بود باید در طی این همه سالها خائنین و جنایت کارها را در خود جا نمی داد و حد اقل در قسمت برقراری عدالت انتقالی که یکی از مواد اصلی توافقات بُن بود به این ترتیب بی پروایی و چشم پوشی نمی کرد. همین در اتاوا پایتخت کانادا زندگی کردن یک مسئولیت اخلاقی و وجدانی را به دوش کسانی که در اتاوا هستند و وجدان شان بیدار است و داغ اینهمه ظلم و ستم را بر دل دارند گذاشت تا کاری بکنند که دیگران شاید نتوانند.

به این ترتیب بود که محفل دادخواهان شهدای سالهای ۵۷-۵۸ تشکیل شد و از لطف و مربانی دادخواهانی چون شما آواز ما بلندتر به گوش هموطنان ما در سراسر جهان رسیده و امید داریم که همه کسانی که با امر عدالت خواهی همدل هستند در رساندن خبر این دادخواهی به گوش سایر هموطنان ما سهم بگیرند و کسانی که امکانات دارند بروز ۷ دسمبر به اتاوا بیایند و با ما یکجا صدای خود را بلند بسازند.

اگر اجازه شما باشد می خواهم به یکی دو نکته اساسی یا بهتر بگویم به یکی دو سوال اساسی که شاید برای تعداد زیادی مطرح باشد درینجا پاسخ بدهم، اما پیش از آن می خواهم در ارتباط یادبود روز ۷ دسمبر در اتاوا این نکته ره اضافه کنم که هموطنان و دوستانی که می خواهند اشتراک کنند اگر شهیدی دارند که می خواهند یادش گرامی داشته شود، چه شهید سالهای ۵۷-۵۸ یا شهید زمان حکومت پرچمی ها، عکس شهید خود را با خود بیاورند و در محفل یادبود بدست خود بگیرند تا دادخواهی خود را بزبان بی زبانی ابراز بدارند و اگر عکس شهید خود را ندارند یا اگر خود/ شهید در خانواده خود نداده اند ولی خود را در غم مردم خود شریک می دانند باخود شمع بیاورند و به علامت دادخواهی در جریان یادبود شمع بدست داشته باشند که این عمل خیلی زیبا و برارنده خواهد بود.

پس می آیم به آن سوال اساسی که پیشتر به او اشاره کردم. یک نکته ایکه خلقی ها و پرچمی ها در برابر سر و صدایی که با انتشار لیست قربانیان جنایات رژیم شان راه انداخته اند و زیاد در انترنت

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

هم انعکاس یافته و نا آگاهانه توسط یک عده از مردمان شریف هم تکرار می شود و حتی در صحبت ها و نشست های افغانان مطرح می گردد یکی اینست که چرا بعد از ۳۵ سال این مسئله به این قسم داغ مطرح شده و حتماً باید یک هدف یا غرض و مرض سیاسی عقب آن باشد و دیگر اینکه چرا فقط دادخواهی در مقابل جنایات خلقی ها و پرچمی ها می شود، چرا از کشتارها و جنایات تنظیم های مجاهدین و طالبان یاد و پرسان نمی شود، حتی بعضی ها گپ را بجایی رسانده اند که می پرسند از کشتارها و قتل های عبدالرحمن خان و نادر خان و هاشم خان صدراعظم کی پرسان و بازخواست کرده که از خلقی ها و پرچمی ها بازخواست شود؟ این سوآلها سوآلهای بجایی است که می خواهم تا حد امکان به آنها پاسخ بگویم.

دلیل اینکه این موضوع حالا بعد از ۳۵ سال به این ترتیب مطرح شده و امیدوار هستم آغاز یک جنبش دادخواهی باشد اینست که برای اولین بار با انتشار لیست ها از طرف پولیس هالند یک سند رسمی که جنایت و قربانیان و عاملین آنرا بصورت مشخص نشان می دهد بدست آمده که می توانیم آنرا از نظر سندیت حقوقی اساس دادخواهی قرار بدهیم. جنایات و کشتارهای راه انداخته شده توسط حزب دموکراتیک خلق خصوصاً در طی بیست ماه اول حکومت شان در زمان خلقی ها بر هیچ افغانی پوشیده نیست ولی جامعه بین المللی اینرا به همین وضاحتی که هر افغان می داند نمی داند و آنها سند معتبر برای شنیدن معروضات دادخواهی می خواهند. اسنادی که اینجا و آنجا توسط سازمان هایی مانند سازمان عفو بین المللی و دیده بان حقوق بشر و غیره در طی سالهای گذشته انتشار یافته اند اکثری افغان ها یا از آن خبر نمی شدند یا قسمی نبود که با دیدن نام و مشخصات عزیزگمشده شان در سند این قسم رگ و ریشه و دل و مغز و روح و احساس شان به لرزه بیاید. هر کسی که گمشده ای داشت همینکه می شنید این قسم یک لیست انتشار یافته می دويد تا آنرا بدست بیاورد و ببیند که نام گمشده اش در آن است یا نه. بدین ترتیب این سند از سایر اسنادی که بیش و کم درین ارتباط نشر شده اند فرق کلی و ماهوی دارد، از همین خاطر است که هیچ سندی پیشتر ازین نتوانسته این قسم بغض های ۳۵ ساله را نشتر بزند و زخمهای دل داغداران را با همه دردناکیش باز کند. به همین دلیل است که این موضوع بعد از ۳۵ سال مطرح شده و دربرابر انسان های شریفی که امکانات و توانایی دارند این وظیفه اخلاقی و این انتخاب قرار گرفته که اگر بخاطر بلند کردن فریاد عدالت خواهی و بازخواست از آدم کشها و قاتلان پدران و برادران و فرزندان این ملت حالا صدای خود را بلند نکنند چه وقت خواهند کرد و اگر حالا بلند نکنند شرمنده حق و عدالت، شرمنده وجدان و شرمنده روان و یاد آن بخون خفتگان خواهند ماند.

در مورد اینکه در یادبودی که ما می خواهیم راه بیاندازیم چرا از جنایات گروه های دیگر، از جنایات مجاهدین و طالبان و حتی منسوبین دولت فعلی، یاد نمی شود و فقط به اصطلاح پشت خلقی ها و پرچمی ها و خصوصاً خلقی ها را گرفته ایم، باید عرض کنم که تا زمانیکه حکومت مردمی در افغانستان بوجود نیامده ناممکن است علیه همه خائنین و جانپان و وطنفروشان بصورت مشخص و نشان گرفته اقامه دعوی و دادخواهی کرد. اینکه ما درین مقطع به دگر خائنین و جانپان نمی پردازیم

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

بدین معنی نیست که جنایات آنها را پرده پوشی می کنیم. با آنچه مردم از دست مجاهدین و طالبان دیدند روی خلقی ها و پرچمی ها گویا سفید شده و به اصطلاح مردم «کفن کش قدیم دعا برده» تا به سرحدی که قصاب خاد داکتر نجیب حالا «شهید نجیب الله» شده و بعضی ها حتی عکس های او را در موتر ها و دکان های خود به نمایش مانده اند، درین ارتباط می خواهم دو نکته را خاطر نشان بسازم: اول اینکه اگر کفن کش قدیم دعا برده به این معنی نیست که فرشته بوده؛ اگر مجاهدین و طالب ها روی خلقی ها و پرچمی ها را سفید ساختند به این معنی نیست که جنایات حزب دموکراتیک خلق باید بخشیده شود و پرسیان نشود. هر جنایت کاری حساب خود را می دهد و هر که هر چه کرده باید ذره ذره و متقال متقال جواب بدهد و کیفر ببیند، و همانطوری که امروز باسند مؤثق جنایات خلقی ها را دادخواهی می کنیم فردا با سند مؤثق جنایت مجاهد و طالب و منسوبین حکومت به اصطلاح دموکراتیک نیز دادخواهی و بازخواست خواهد شد. پرچمی ها با استدلال اینکه این جنایات توسط خلقی ها انجام شده و آنها در آن مقصر نیستند گویا مطمئن هستند که اینچنین لیست ها در ارتباط شکنجه ها و کشتارها و اعدام های رژیم کارمل و نجیب وجود ندارد چون نجیب در آخرین روزهای حکمروایی خود آخرین خیانت خود را به تاریخ و مردم افغانستان انجام داد و همه اسناد ریاست تحقیق خاد را نابود ساخت تا اثر و سندی از جنایات هولناک و شکنجه ها و اعدام های خودش و آدم کش های خادیشش باقی نماند. پرچمی ها و خادیسست های شان می توانند مطمئن باشند که با این چنین نابود سازی اسناد از عدالتی که گریبان گیرشان خواهد شد هرگز در امان نخواهند ماند چون خون ناحق می گن دست از دامان قاتل بر نمی دارد و می توانند مثلاً نمونه غنی زنبور رئیس تحقیق خاد و حسام الدین حسام و دیگر پرچمی هاییکه در اروپا زندانی یا زیر تحقیق هستند را پیش چشم خود داشته باشند. نکته دوم اینست که این استدلال که چرا مثلاً از جنایات دیگران بازخواست نمی شود می تواند در هر مقطعی منحیث یک استدلال مذبحخانه پیش کشیده شود، اگر از مظالم مجاهدین بگویی می گویند که از خلقی ها و پرچمی ها چرا پرسان نشده، و اگر از جنایات طالب ها بگویی می گویند که چرا از مرداری مجاهدین بازخواست نمی شود، جواب اینست که از همه خواهد شد، و اینکه درین مقطع تمرکز دادخواهی ما علیه حزب دموکراتیک خلق و بخصوص شاخه خلق آنست بخاطر اینست که توانایی پیشبرد کارزار دادخواهی علیه همه جنایت کاران در عدم موجودیت یک مرکز نیرومند دادخواهی (که این یکی از خواست های ما از دولت کانادا خواهد بود) ناممکن است و دیگر اینکه علیه حزب دموکراتیک خلق سند مؤثق حقوقی بدست است. اگر امروز همین گونه سند مؤثق از جنایات هریک از گروه ها و دسته های خیانت کار از مجاهدین و طالبان و هرکسی که باشد بدست بیاید مطمئن باشید که همینگونه صدا و فریاد دادخواهی مشخص بلند خواهد شد.

یک نکته را نباید فراموش کرد که همین سوال که چرا درین مقطع از جنایات دیگران بازخواست نمی شود که فقط از جنایات حزب دموکراتیک خلق بازخواست می شود بیشتر از طرف خلقی ها و پرچمی ها بخاطر تضعیف داعیه دادخواهی علیه حزب و دولت شان مطرح می گردد تا از جواب دادن و از بازخواست به اصطلاح شیر غلت بزنند. اشخاص غیر خلقی و غیر پرچمی که این سوال را

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

می کنند حق دارند این سوال را بکنند اما متوجه دلایلش باشند چون در غیر آن نا آگاهانه در موضع خلقی ها و پرچمی ها قرار می گیرند. ازین خاطر از همه انسان های شریفی که این سوالات برای شان مطرح است تقاضا می کنم که شیر غلت خلقی ها و پرچمی ها را بشناسند و باریکی موضوع را درک کنند. انسان های شریفی که این سوالات برای شان مطرح است مطمئن باشند که ما باشیم نباشیم، روزی خواهد رسید و کسی خواهد بود که از همه جانیان و آدم کشان و خائنان و وطن فروشان جهادی و طالبی و دولت به اصطلاح دموکراتیک امروزی پرسیان کند و یخن شانرا بگیرد و کیفر اعمالشان را کف دست شان بگذارد.

با استفاده از همین فرصت می خواهم از جانب خود و از نام محفل دادخواهان شهدا پیامی هم به خلقی ها و پرچمی ها برسانم، منظورم صفوفی است که دست شان مستقیماً در خون و جنایت آلوده نیست:

پیام من اینست و آنها را مستقیم مخاطب می سازم که بد مطلق و خوب مطلق وجود ندارد. با آنکه شما منسوبین حزب دموکراتیک خلق و مردم افغانستان یعنی قربانیان جنایات حزب تانرا دریاهایی از اشک و خون از هم جدا می کند باز هم همه شما جنایت کار نیستید. شما هم فرزندان همین وطنی هستید که حزب تان در ویرانی آن این قسم نقش بازی کرد. من هرگز باور ندارم که شما با قصد خیانت و جنایت به این حزب پیوستید بلکه به گفته معروف با نیت خیر خدمت و بهروزی وطن فریب شعار های این حزب مزدور و نوکر بیگانه و رهبران آنرا خوردید. شما با نیت نیک راه دوزخ را پیمودید و وطن و مردم تانرا در آتش جهنم این ۳۵ سال گذشته انداختید. شما مطمئن باشید که مردم وطن ما و شما، مردم افغانستان که حزب شما آغازگر شکستن بند بند و استخوان استخوان پیکر مادی و معنوی آن بود مردم فوق العاده شریف، مظلوم، هر دم شهید ولی بخشنده هستند. آنها مانند هر مادری همه فرزندان جفاکار خود را می بخشند بشرطی که از قول و فعل شان پشیمانی و ندامت و بخشش طلبی را بشنوند و ببینند. از شما منسوبین حزب دموکراتیک خلق سابق یا هرنامی که بعد از آن بر خود گذاشته اید، منظورم از همه شما خلقی ها و پرچمی هایی است که با خموشی در برابر مظالم حزب و دولت خود دست آنرا آزاد گذاشتید و قوی ساختید ولی خود مستقیماً در قتل و جنایت آن سهم نگرفتید، از شما می طلبم که قبول کنید که جفا کردید، قبول کنید که حزب تان و رهبران تان به وطن و مردم و تاریخ افغانستان خیانت کردند، خیانت حزب و رهبران تانرا محکوم کنید، با عذر خواهی صادقانه و نشان دادن ندامت در عمل در مرهم گذاری روی زخم های دل و روان این وطن و این مردم سهم بگیرید، گذشته خود را جبران کنید و نشان بدهید که وجدان تان زنده است تا مردم افغانستان شما را ببخشند.

گفتنی های من در همینجا خلاص شد، باز هم از شما امیری صاحب گرامی ازینکه این فرصت را برایم دادید که از جانب محفل دادخواهان شهدای سالهای ۱۳۵۷-۵۸ گفتنی ها خود را بگویم یکبار دیگر سپاس خود را خدمت تان تقدیم می کنم. ۲۰۱۴/۰۱/۰۴

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ